

شَرِيحِ بْنِ حَارِثِ كِنْدِي

67-69

شَرُوسْ ← جَبَلِ نَفُوسِه

شَرُوه سَرَايِي ← دَوِيئِي

شَرُويْن ← سَوَادِكُوه

شَرِيحِ بْنِ حَارِثِ كِنْدِي، تابعی و قاضی کوفه در قرن

اول. نام پدر شریح به صورتهای گوناگونی نقل شده است (← وکیع، ج ۲، ص ۱۹۸-۱۹۹؛ ابن عبدالبر، قسم ۲، ص ۷۰۱). ابن سعد (ج ۶، ص ۱۳۱)، وکیع (ج ۲، ص ۱۹۸) و ابن عبدالبر (همانجا) وی را منسوب به قبیله کنده* دانسته‌اند و ابن عبدالبر (همانجا) افزوده که در نسبت شریح به قبیله کنده اختلاف نظر هست. در قولی، شریح از هم‌پیمانان قبیله کنده یاد شده (← ابن عساکر، ج ۲۳، ص ۱۲-۱۳؛ ابن حجر عسقلانی، ج ۳، ص ۳۳۴) که به همراه خانواده خویش تنها ساکنان تیره بنی‌رائش در کوفه به‌شمار می‌رفتند که از یمن به آنجا آمده بودند (← ابن سعد، همانجا؛ وکیع، ج ۲، ص ۱۹۸-۱۹۹). این خاندان در اصل ایرانی بودند که به یمن مهاجرت کرده بودند (← مزنی، ج ۱۲، ص ۴۳۶). در اینکه شریح پیامبر را دیده و از ایشان سماع کرده باشد، اختلاف هست (← ابن عساکر، ج ۲۳، ص ۱۳؛ مزنی، همانجا). در خبری آمده که شریح نزد پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آمد و اسلام آورد و از ایشان برای آوردن خانواده خویش از یمن اذن طلبید، پیامبر به او اجازه داد، اما وقتی شریح با خانواده‌اش بازگشت، آن حضرت وفات یافته بود (← ابن عساکر، ج ۲۳، ص ۹؛ ابن حجر عسقلانی، ج ۳، ص ۳۳۵). شریح احتمالاً در زمان خلیفه اول یا دوم از یمن به حجاز آمد و سپس در کوفه سکونت گزید (← ابن عبدالبر، همانجا؛ ابن عساکر، ج ۲۳، ص ۱۳). شریح از پیامبر به نحو مرسل، و نیز از صحابیانی مانند زیدبن ثابت*، عبدالله بن مسعود*، علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام و عمر بن خطاب روایت کرده، و تابعی چون ابراهیم نخعی، انس بن سیرین، شقیق بن سلمه*، و عامر شعبی* از وی روایت کرده‌اند (← مزنی، ج ۱۲، ص ۴۳۶-۴۳۷؛ برای فهرست کامل راویان از او - بدری محمد فهید، ص ۱۲۲-۱۴۴).

شهرت بیشتر شریح به قضاوت است (← ابن عبدالبر، قسم ۲، ص ۷۰۲؛ سَمْعَانِي، ج ۳، ص ۴۲۴) و خلیفه دوم او را به سِمَت قضاى کوفه منصوب کرد (برای ماجرای انتصاب وی به قضاوت - وکیع، ج ۲، ص ۱۸۹-۱۹۰) و خلفای بعدی نیز وی را بر آن باقی گذاردند تا آنکه در زمان حجاج بن یوسف، به سبب

(۶) غزلیات. این اثر حاوی پانزده غزل فارسی شروانی با مضمون عشق الهی است. نسخه‌ای از آن در کتابخانه نورعثمانیه، ش ۴۹۰۴ موجود است (ریختم، ص ۴۸).

(۷) شرح سؤالات گلشن اسرار. شرح کوتاهی است به فارسی بر مثنوی گلشن راز* شیخ محمود شبستری در ۱۰۷۱ بیت. نسخه‌ای از آن در کتابخانه دانشگاه استانبول، ش ۹۵۴ نگهداری می‌شود (همان، ص ۴۶-۴۷).

(۸) شرح مراتب اسرارالقلوب (یا هفت وادی). مثنوی ۸۸۰ بیتی به فارسی که در آن شاعر به شرح و توضیح اطوار سبجه یعنی قلب، عشق، معرفت، استغنا، توحید، حیرت و فقر و فنا پرداخته است (← خلوتیه*، بخش ۴: آموزه‌ها و آداب). آپیر سلیم (اوجال)^۱ آن را برای رساله کارشناسی ارشد خود تصحیح کرده است (دانشکده ادبیات دانشگاه استانبول، ۱۹۸۹؛ شروانی، همان مقدمه، ص ۳۳-۳۴، ۳۷).

اسرارالوضوء و الصلاة، بیان‌العلم (یا علم لذنی)، عجائب‌القلوب، اطوارالقلوب، قصه منصور، مقامات، رموز الاشارات، شرح اسماء ثمانية، تصرفات و مکاشفات، رساله فی صلاة النبی و مکارم اخلاق از دیگر آثار فارسی سیدیحیی شروانی‌اند که نسخه‌های آنها در کتابخانه‌های ترکیه و جمهوری آذربایجان موجود است. حسن آلماز برخی از آثار فارسی سیدیحیی شروانی موجود در کتابخانه مغنیه را به ترکی ترجمه و منتشر کرده است (← بروسه‌لی، ج ۱، ص ۱۹۷؛ شروانی، همان مقدمه، ص ۳۰-۳۷؛ محمدلی^۲، ص ۸۸).

منابع: احمد حلمی، سیدیحیی الشروانی، استانبول ۱۳۱۹؛ محمدطاهر بروسه‌لی، عثمانلی مؤلفلری، استانبول ۱۳۳۳-۱۳۴۲؛ عبدالرحمان بن احمد جامی، نفحات الانس، ترجمه و شرح لامعی چلبی، استانبول ۱۹۹۳؛ احمد بن مصطفی طاشکوبری‌زاده، الشقائق النعمانية فی علماء الدولة العثمانية، بیروت ۱۹۷۵/۱۳۹۵؛ م. صادق وجدانی، طومار طرق علیّه، استانبول ۱۳۳۸-۱۳۴۲؛

Mahmud Cemaleddin Hulvi, *Lenezât-ı Hulviyye ez Lenezât-ı Ulviyye: halveti büyüklerinin tatlı halleri*, ed. Mehmet Serhan Tayşi, İstanbul 1993; Nezakat Məmmədli, *Seyyid Yəhya Şirvanî və Xəlvetilik*, Baku 2016; Mehmed Nazmî Efendi, *Osmanlılarda tasavvufî hayat, Halvetilik örneği: Hediyetü'l-ihvân*, ed. Osman Türer, İstanbul 2011; Mehmet Rihtım, *Seyid Yəhya Bakavî və Xəlvetilik*, Baku 2005; Yahya Şirvanî, *Şifâ'ül esrar: Sufî yolunun sırları*, ed. Mehmet Rihtım, İstanbul 2012; TDVİA, s.v. "Yahya-yı Şirvânî" (by Mehmet Rihtım).

/ علیرضا مقدم /

1. Ayper Selim (Öcal)

2. Məmmədli